

تحریر



ماہنامہ دانشجویی تحریر دانش گاہ فرهنگیان
۴۷ T A H R I R



شاید

- تحریر آمد
- آبان پرحادثه
- تراژدی عدالت آموزشی
- باید ها و واقعیت ها؛
در پردیس شهید بامهر
چه می گذرد؟

خمس

ماهنامه دانشجویی تحریر دانشگاه فرهنگیان

سال هشتم / شماره ۴۷ / سال ۱۴۰۱ / توزیع رایگان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اصفهان

مدیر مسئول:

علی اکبر خواجهی

سر دبیر:

محمد مرادی چادگانی

دبیر فنی:

زهرا سورانی

طراح جلد:

علی اسکندی

صفحه آرا و طراح:

زهرا رفیعی

دبیر واحد سیاسی:

محمد نریمانی

دبیر واحد دانشجویی:

امیر حسین کابلی

دبیر واحد فرهنگی:

عبدالله یوسفی

ارتباط مستقیم با سر دبیر:

۰۹۳۶۳۱۲۸۵۱۸

۱- تحریر از مطالب همه دانشجویان عزیز در سطح کشور استقبال می‌کند.

۲- نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.

۳- مطالب صرفاً بیان کننده دیدگاه شخصی نویسنده است.

۴- نشریه ای که در دست دارید، با هزینه بیت المال تهیه شده است. پس لطفاً پس از مطالعه، آن را در اختیار دوستان خود قرار دهید.

۵- تحریر آماده دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما عزیزان است.

سخن سر دبیر

کلمات یک کتاب یا نشریه، سکانس‌های یک فیلم، نُت‌های یک موسیقی و تصویری ذهنی از یک خاطره یا سفر بی‌تردید قطعه‌ای از سنگ‌فرش مسیر فردای ما هستند. فردایی که همه ما فرزندان سر به هوای آدم آن را می‌سازیم. آینده عملاً ساعت‌هاست که شروع شده است. زشت یا زیبا، باشکوه یا بی‌رونق، عادلانه یا ظالمانه. چرخ فیروزه‌ای سریع‌تر از آن‌چه که می‌پنداریم، می‌چرخد و هر نفس ما قدمی است که به سوی مرگ برمی‌داریم. فرصت‌ها اندک و حسرت‌ها بسیار است. شادی‌ها با غم آمیخته و روشنایی‌ها با تاریکی همراه است. فاصله میان بایدها و واقعیت‌ها، خواب را از چشمان بیدار ربوده است و شوربختانه عده‌ای نیز در خواب غفلت غوطه ورنند. طبعاً در این آشفته بازار هر کس دل‌مشغولی و مأوایی برای خود دارد. طبعاً رنگ‌ها و نقوش پر رمز و راز دنیا، قلوب بسیاری را ربوده است. خوابی رنگارنگ که حاصلش غفلت از این ایام و افسوسی ابدی است. با این اوصاف پرسشی در ذهن‌ها نقش می‌بندد. مگر می‌شود در میان جلوه‌گری و زرق و برق اغواگر دنیای امروز و ادعاهای بی‌پایان، کلامی از جنس حقیقت یافت؟ آیا می‌توان با قلم، این ظرفیت بی‌انتها که پروردگار عالمیان به وجود آن قسم می‌خورد، کلماتی درخور ارزش انسان و میل بی‌پایانش به جاودانگی آفرید؟ همه نیک می‌دانیم کلمه ودیعه مقدسی است. نگارنده این سطور به قدرت سحرانگیز واژه‌ها ایمان دارد. کلمه از هر قوس و قزحی زیباتر است. کلمه مونس محمد در غار حراء و همدم علی در یاری به فقرا است. فرق میان پیامبران و شیادان است. جادوی واژه‌ها حلاوت زندگی است. چاشنی بخش لحظه‌های بی‌رنگ است. پس باید کلمه را گرمی داشت. آن را قدر نهاد. افسوس که ما در ناسپاسی نسبت به این معجزه جاودانه، گوی سبقت را از یکدیگر می‌رباییم. ابتذال بیماری امروز جامعه ماست. تعداد آنان که نغز و روان می‌نویسند و بلیغ و سنجیده می‌گویند بسیار کم است. افسوس! مردمانی که تکلمشان چنان تَرَنَم بود از میان رفتند. باید چاره‌ای اندیشید.

خداوند آدم را آفرید و او را بر دیگران برتری بخشید. سالیان عمر این مخلوق برگزیده در این دنیا به قدری کوتاه است که اصلاً فرصتی برای خواندن متون بی‌ارزش و پرداختن به کلمات بیهوده ندارد. باید به رسالت هنر و ادبیات اندیشید. آفرینش کلمات یعنی خلق ثروت‌هایی معنوی که هر وجود مستعدی را تا قله‌های رفیع انسانیت بالا می‌برد و او را برای هدفی بزرگ بر می‌انگیزد. هدفی که فراتر از خواب و خور این عالم بی‌انتهاست. پس نوشتن برای همه ما کار ارزشمندی است. نشریه تحریر خانه شماست. مجالی برای گفتن از آن‌چه که ایمان دارید. فرصتی برای گفت‌وگو میان سلایق و دیدگاه‌های متفاوت. چرا که به قول حکما برای ساختن و ساخته شدن هیچ راهی جز گفت و گو نداریم. ما قصد داریم در تحریر رفاقت، مدارا، دقت و تحلیل‌گری را مشق کنیم. با همین نگاه و حس در دسترس‌بودن آینده انتخاب‌هامان را شروع کنیم. انتخاب‌هایی برای ساختن فردایی بهتر. آینده‌ای روشن که سرشار از امید و حس زندگی است. ما آتشی پر فروغ در سینه افروختیم. شعله‌هایش لطیف است. به لطافت نور مهتاب و پاکی آب. قلب‌هایمان برای فردایی بهتر می‌تپد. بارالها تو خود روشنی و گیرایی سخن حق را به گفته‌هایمان بخش و آن را پیک حقیقت بسوی مخاطبانمان قرار ده.

«مُنِیب»

محمد مرادی چادگانی

سر دبیر نشریه تحریر



فهرست مطالب

۱	راست گفته اند....
۲	نه بر حسب عادت بلکه بر اساس واقعیت....
۷	تبعید امام خمینی(ره)
۸	تسخیر لانه‌ی جاسوسی
۹	۱۳ آبان ۱۴۰۱
۱۰	بایدها و واقعیتهای
۱۱	بانوی آب و آینه
۱۳	سرصدرا
۱۴	تراژدی عدالت آموزشی
۱۵	پروانه های حرم
۱۷	علی، تجسم عادات انسانی

اول: راست گفته‌اند که ما چاره‌ای جز عبور از پدران مان نداریم. آنها در زمانی که دیو سرکش طاغوت به پشتوانه جنتل‌من‌های تروریست کت و شلوار به تن، تاخت و تاز می‌کرد و هر ندایی را در نطفه خاموش می‌ساخت در مقابل نظم نوین جهان و دستگاه کهنه پادشاهی ایران ایستادند و مصائب فراوانی را از سر گذراندند. سر شاخ شدن با پلیس مخفی مخوف پهلوی به نام ساواک که فرزند سرویس‌های جاسوسی غرب بود و در نهایت پیروزی انقلاب و دفاع هشت ساله در مقابل متجاوز و دوره سازندگی و عصر دوم خرداد را به شیوه مخصوص خودشان مدیریت کردند. می‌دانیم که آن عادل بی شریک درباره نیت‌ها، اعمال و کردارشان قضاوت خواهد کرد؛ اما اکنون نسل ما شاهد سرو جوانی است که برای ایستادن خون‌های بسیاری ریخته شده است. لاجرم در قرن جدید راهی جز عبور از سلایق، نگاه‌ها، راه حل‌ها و حب و بغض‌های نسل‌های ابتدایی انقلاب نیست. میانگین عمر ما ایرانی‌ها حدود ۷۵ سال است. این بدان معناست که در دهه اول این قرن که حوالی سال ۱۴۱۰ پایان می‌یابد؛

بسیاری از متولدین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ هجری خورشیدی ساز سفر را کوک می‌کنند و رهسپار خانه دوست می‌شوند. یعنی پدران و مادران نسل امروز در سال‌های آینده در میان ما نیستند. مهلت صله رحم، سفر خانوادگی و عکس‌های دسته جمعی همین ده سال پیش روست. بیشتر این خوبان، آخرین کسانی هستند که کودتای سال ۱۳۳۲، پانزده خرداد سال ۱۳۴۲، داستان پر پیچ و خم انقلاب اسلامی و جنگ را با جزئیات به خاطر دارند. فرصتی اندک برای همه ما تا حرف‌هایشان را بشنویم و بار ثبت و ضبط کلام‌شان را به دوش بکشیم.





به هر حال تا پایان سال ۱۴۱۰ بسیاری از هنرمندان، نام‌آوران، فیلسوفان، مترجمان، دوبلورها، صاحبان اندیشه و استاد تمام‌های دانشگاه‌ها به سمت خانه ابدی همه ما رهسپار می‌شوند. کوچ جمعی بسیاری از چهره‌ها فضا را برای نسل متولد دهه ۵۰ و ۶۰ و حتی ۷۰ مهیا می‌کند. نسلی با مختصات، مزاج، سلیقه و نگاه متفاوت. به گمانم رئیس جمهور فعلی کشورمان که به احتمال زیاد به مدت هشت سال بر تخت قدرت خواهد ماند، آخرین رئیس جمهوری است که مدیران ارشد و وزرایش متعلق به پیش از سال ۱۳۵۰ خواهد بود. رئیس جمهوری که در سال ۱۴۰۸ خواهد آمد به کل با سلیقه، شعار، کابینه و تصمیمات متفاوت روبه‌رو خواهد شد. کابینه‌ای پر شده از جوانان امروز که در حال طی کردن آخرین روزهای جوانی و ورود به میان‌سالی هستند. تا پایان سال ۱۴۱۰ قریب به اتفاق نسل مراجع تقلید کنونی شیعه چه در ایران چه در عراق در خواهند گذشت. میانگین سنی این بزرگان اکنون ۹۰ سال است. عمرشان دراز باد اما زمان به کوچی در انتظار اشاره دارد. جوان‌ترین مراجع تقلید کنونی هشتاد و اندی ساله‌اند و این یعنی در ابتدای قرن آینده یک تغییر بزرگ در نام، رسم، سن، سلیقه و مشرب فکری مراجع تقلید خواهیم داشت. تغییراتی که در پی خویش شاید طوفانی از تحولات در سرتاسر جهان اسلام و شاید عالم هستی را رهبری کند.

دوم: نه بر حسب عادت که بر اساس واقعیت باید گفت اکنون ما در اوج قصه انقلاب هستیم. این دگرگونی بزرگ عالم که محاسبات دستان پشت پرده و صاحبان زر و زور و تزویر را به هم ریخت و دیدگاه متفاوتی از زندگی به مردمان جهان عرضه کرد. فرصت‌ها کم، صبرها در آستانه لبریز شدن، کینه دشمن بسیار و منابع در حال مصرف شدن هستند. هر روز ایران یک فرصت است و هیچ یک از ما وقت آزمون و خطا نداریم. جمهوری اسلامی ایران در خاکی‌های مختلف مشغول درگیری با بسیاری از موارد است. این مسئله باعث بروز مشکلات مهمی شده است. هر لحظه را باید قدر دانست. هر ساعت، هر دقیقه و هر ثانیه سرنوشت‌ساز است. اسلام و قرآن صاحب و حافظی دارد که هیچ کس را یارای اندیشیدن به حد و اندازه قدرت او نیست اما انقلاب و ایران را باید از شرایط گلخانه‌ای عبور داد و آماده مواجهه با قرن جدید، نسل‌های جدید و تکنولوژی‌های نو کرد؛ هم از دست برخی دوستی‌های خاله خرسه نجات داد. تا پایان دهه اول این قرن یعنی سال ۱۴۱۰ نسل اول و حتی بخش عظیمی از نسل دوم انقلابیون، فرماندهان، مدیران و کارآفرینان کشور که اکنون در مرز ۷۰ سالگی و بیشترند یا در خواهند گذشت یا چنان پیر و از کار افتاده می‌شوند که رسماً از سال ۱۴۱۰ به بعد کشور به دست متولدین دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ خواهد افتاد. یک دگرگونی عجیب در هرم سنی مدیران کشور و برکشیده شدن متولدین دهه‌های انفجار جمعیت به سریر قدرت. نسلی که در پیروزی انقلاب نقشی نداشت و بیشتر از دفاع مقابل متجاوز، سال‌های سازندگی و اصلاحات دوم خردادی خاطره دارد. نسلی کاملاً تربیت‌شده در دوران‌های پر بحران و فراز و نشیب پس از انقلاب. نسلی که باید از دمیدن در آتش دعوای میان پدران و مادران خود دست بکشد و با هم نسلان خود تمرین مدارا و همکاری کند.

سوم: نیک می‌دانیم که انقلاب عزیز ما انقلابی عقیدتی و فرهنگی بوده و هست. اعتماد به نفس این انقلاب آن قدر بالا بوده و هست که عمق استراتژیک‌اش را هر روز گسترش داده و می‌دهد. شوربختانه مدیران گذشته انقلاب در تمام طول دهه ۷۰، ۸۰ و ۹۰ وقت و انرژی‌شان را صرف امور کردند و هزینه‌هایی تراشیدند که با عزت نفس، بزرگ منشی و وقار جمهوری اسلامی سنخیتی نداشته و ندارد. جمهوری اسلامی در ذهن خردمندان و خردورزان باید مرد موقر، آراسته، خونسرد و متینی باشد که دیگران از صبر و سکوتش بترسند و نخبگان به نفس گرمش دلگرم شوند. نه نظام و ساختاری که رفتن و آمدن یک مجری تلویزیونی یا رفتار یک نماینده مجلس یا فیلترکردن یک پیام‌رسان یا گنده‌گویی‌های یک فوتبالیست و چند آشوب‌خیزانی سرمایه اجتماعی‌اش را به بازی گیرد.


چهارم: تغییرات عجیب و غریب خواص در تمام سال‌های انقلاب درس عبرت مهمی برای اهل معنا دارد. از مهدی نصیری کیهان تا مهاجرانی وزیر فرهنگ خاتمی. از ناطق نوری راست‌گرا که به منتهی‌الیه چپ رفت تا احمدی‌نژادی که از بیخ و بن آدم‌دیگری شد و حتی حرف‌های خودش را هم پس گرفت. شدت تغییر رفتار و افکار آدم‌ها و بالا پایین‌شدن امور چنان بوده که باید کامل از نیت‌ها و باطن امور دست بشوییم و با تکیه بر همین ظواهر خیمه بزرگی سر پا کنیم که همه وطن‌دوستان با هر رخت و ریخت و مشی زیر آن مشغول کار شوند. حال فرصت ساختن و جبران کم و کاستی‌ها به ما متولدین دهه هفتاد و هشتاد رسیده است. نیروی کار و موتور محرک ایران امروز نسل ماست. به نظر می‌رسد تا ده سال آینده تکلیف تأهل چیزی حدود ۲ تا ۴ میلیون دختر و پسر مجرد کنونی که در آستانه مجرد قطعی قرار دارند هم مشخص خواهد شد. پدیده غریبی است. به گمانم با مجرد قطعی این بخش خیلی از تابوهای امروز در مسئله مهم ازدواج خواهد شکست و با مشوق‌های گوناگون دولتی نرخ باروری و رشد جمعیت نیز بالا می‌رود. با گذر از سال ۱۴۱۰ سرانه پرداختی بیمه‌ها بر دریافتی آن‌ها پیشی خواهد گرفت و این یعنی با افزایش میانگین سنی کشور مستمری بگیران بیشتر شده و کسانی که حق بیمه می‌دهند یعنی جوانان کمتر می‌شوند. یک زنگ خطر بزرگ برای بیمه‌های کشور که آن‌ها را در آستانه ورشکستگی یا استقراض از بودجه عمومی کشور قرار می‌دهد.



پنجم: کارنامه مدیران کنونی و نهادهای دخیل در انتخابات ۱۴۰۰ نشان می‌دهد امیدی به بسیاری از آنها نیست و باید خودمان به میدان بیاییم. در ذهن‌تان خود را رئیس‌جمهور و وزرای آینده ببینید. نه مدیری با جایگاهی میانی. هنوز و همیشه از اراده‌ها و خلاقیت‌های افراد کارها برمی‌آید و اراده خدا بر بالا بردن بندگانی است که خالصانه مجاهدت کنند. تجربه همین چند سال نشان‌مان داد باید تنها و تنها برای خدا کار کرد و نه مردم و نه حتی جمهوری اسلامی که اگر طرف معامله ما خدا باشد خود متولی عزت، نتیجه و عاقبتی خیر برای اهالی ایمان خواهد بود.




ششم: من با تمام وجود ایمان دارم که ایران جذاب‌تری در پیش روست. به گمانم، ما معلمان آینده این نسل از همین‌جا در فضای دانشگاه باید عزم خود را برای ساختن ایران قوی جزم کنیم. از دل دوستی‌ها و رفاقت‌ها. از دل کلاس‌های درس و حلقه‌های کوچک در خوابگاه. فراموش نکنیم که ما وارثان انقلابی هستیم که هدفش جهد و جهادی بی‌پایان برای اقامه قسط و عدل بوده و هست. تحولی عظیم که نه یار غار غرب بود و نه به شرق نظری داشت. حرکتی از دل مستضعفان که کوخ نشینان صاحبان راستین آن بوده و هستند. انقلابی به قیمت خون جوانانی بی‌همتا برای تحقق آن وعده راستین و حجت خدا بر زمین.



هفتم: میثاق و آرمان مشترک همه مردم «ایران» است و هر کس قلبش برای سربلندی و آبادانی ایران عزیز بتپد باید در سپهر مدیران جوان آینده نقشی داشته باشد. خدا نکند که خالص‌سازی امروز جبهه انقلاب نتیجه عکس بدهد و این تک صدایی به نتیجه مطلوب نرسد. برای آن‌که دوستان و همراهان در این راه پر تلاطم بدانند باید یادآور شد که اگر عاشورایی عمل کردن سنت خدا بود، عاشورا همان واقعه یکتا باقی نمی‌ماند. از این دست شعارهای دهان‌پرکن باید عبور کرد. ایران باید یک کارگاه بزرگ فعالیت و ساخت و ساز شود. یقیناً سنگین‌ترین تحریم‌هایی که انسان علیه انسان تحمیل کرده است بر ایران و مردم ما تحمیل شد و حالا که با صرف خون، اشک و عرق کار به انتها رسیده وقت جهد و جهاد است. هزار دوست کم است و یک دشمن بسیار.

پایان کلام

در انتها از سنت او می‌گوییم که در هر زمان گروهی را برگزید. به آن‌ها همگی ابزارهای قدرت را بخشید. آن‌ها را بر دیگران برتری داد و به تماشای مجاهدتشان نشست. او با احدی عهد اخوت نبسته و به زیرکشیدن و برکشیدن اقوام سنت و طریقت همیشگی‌اش بوده و هست؛ تا فرصت و رخصت ماست باید چیزی فراتر از کاشی و کاروان‌سرا و دیوان شعر و میدان و حمام و مسجد تحویل آیندگان دهیم. آن‌چه که نوشتیم یک معنا داشت. مسئولیت‌ها، مقام‌ها و میزها از آن‌چه گمان دارید به شما نزدیک‌ترند. برای رسالت‌هایی که در انتظار شمایند، آماده شوید. امیدوارم از الان برنامه‌ریزی کنید. همه ما معلمان آینده ایران اسلامی هستیم. ایرانی که همانند یک سرو، استوار و یکتا در میانه طوفان حوادث ایستاده است.



در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، لانه ی جاسوسی آمریکا را در تهران تسخیر کردند و جاسوسان آمریکایی را به گروگان گرفتند. بدین ترتیب، مبارزه ی ضد آمریکایی مردم ایران، ابعاد جدیدتری پیدا کرد. بنابراین، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، این روز را به روز «ملی مبارزه با استکبار» نام گذاری کردند. این روز مهم در حافظه تاریخی ملت بزرگ و شجاع ایران اسلامی نقطه عطفی در سرعت بخشیدن به روند شکل گیری ، تداوم ، استمرار و بالندگی انقلاب اسلامی است و برجسته ترین ویژگی آن در مبارزه مستمر ملت ایران در ادوار مختلف تاریخی با " استبداد داخلی " و " استکبار و سلطه خارجی " است. این یوم الله عظیم به همه ی مستضعفان عالم آموخت که می توانند چپاول گران ثروت های عظیم را به زباله دان تاریخ بسپارند. سیزده آبان به دل های مؤمنان قوت بخشید پرتوی تابناک از انوار الهی بر آنان تابانید و درس هایی بزرگ از شهادت و رشادت و دلیری به آنان آموخت. در سیزدهم آبان، مردم سرافراز ایران به همه ی مستضعفان نشان داد که دیوار ستم، شکستنی است.

روز ۱۳ آبان که در تقویم ایران اسلامی به نام روز مبارزه با استکبار جهانی نام گذاری شده یادآور سه واقعه مهم تاریخی است که در سه دوره مختلف تاریخ معاصر میهن عزیزمان رخ داده و به همین دلیل سیزدهمین روز ماه آبان هر سال در تاریخ کشور به عنوان روزی به یادماندنی به ثبت رسیده است.

این تاریخ هم در اذهان مردم به عنوان یک یوم الله یادآوری می شود. در روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳، مأموران رژیم ستمگر پهلوی، حضرت امام خمینی(ره) را در قم دستگیر و به دستور شیطان بزرگ آمریکا، به ترکیه تبعید کردند. سالها بعد در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷، دانش آموزان تهرانی در اعتراض به دخالت های آمریکا در ایران، راه پیمایی کردند، ولی دژخیمان طاغوت، به آنان حمله کرده و جوانان انقلابی را به خاک و خون کشیدند.



تبعید حضرت امام در ۱۳ آبان ۱۳۴۳



خود را برای ادامه مبارزه با استکبار آماده کنید

هنوز بیش از ۳ دهه از الغای لایحه ننگین کاپیتولاسیون نمی‌گذشت که محمدرضا پهلوی احیاگر مجدد آن شد. کابینه اسدالله علم در سیزدهم مهر سال ۱۳۴۲، به دستور شاه، پیشنهاد آمریکا مبنی بر اعطای مصونیت قضایی به اتباع آمریکایی را به صورت یک لایحه قانونی در هیأت دولت تصویب کرد. مدتی بعد این خبر به حضرت امام رسید و ایشان را به خروش و شوریدن بر علیه این ننگ بزرگ واداشت به طوری که در ۴ آبان ۱۳۴۳ ایشان طی نطقی تاریخی به رسوایی این اقدام ننگین پرداختند. فرازهایی از سخنرانی امام چنین بود: «... دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد، ملت ایران را از سگ‌های آمریکایی پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسی یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند؛ اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه

یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام ایران را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد...». رژیم طاغوت که از خروش انقلابی حضرت امام به وحشت افتاده بود تنها یک راه پیش پای خود می‌دید و آن تبعید ایشان بود. در شبانگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۳، صدها کماندو به همراه مزدوران ساواک به منزل امام در قم حمله‌ور شدند. ایشان را دستگیر و به تهران منتقل و سپس با یک هواپیمای نظامی به ترکیه تبعید کردند. این سرآغاز هجرتی بود که ۱۴ سال بعد پیروزی انقلاب اسلامی را به بار آورد. هجرتی از جنس دوری که پیروزی ملت برا استکبار را نوید

کشتار بی رحمانه دانش آموزان در

۱۳ آبان ۱۳۵۷

در جریان مبارزات ملت ایران علیه رژیم طاغوت، صبح روز ۱۳ آبان ۱۳۵۷ تعداد زیادی از دانش آموزان برای پیوستن به تظاهرکنندگان با تعطیل کردن مدارس راهی دانشگاه تهران شدند و به جمع دانشجویان پیوستند. با هجوم مأموران شاه به دانشگاه، ده ها دانش آموز و دانشجو با گلوله های آتشین به خاک و خون غلتیدند و به شهادت رسیدند. شهادتی که سر منشأ بیداری ملت قهرمان ایران و تلاش برای پیروزی انقلاب اسلامی شد.

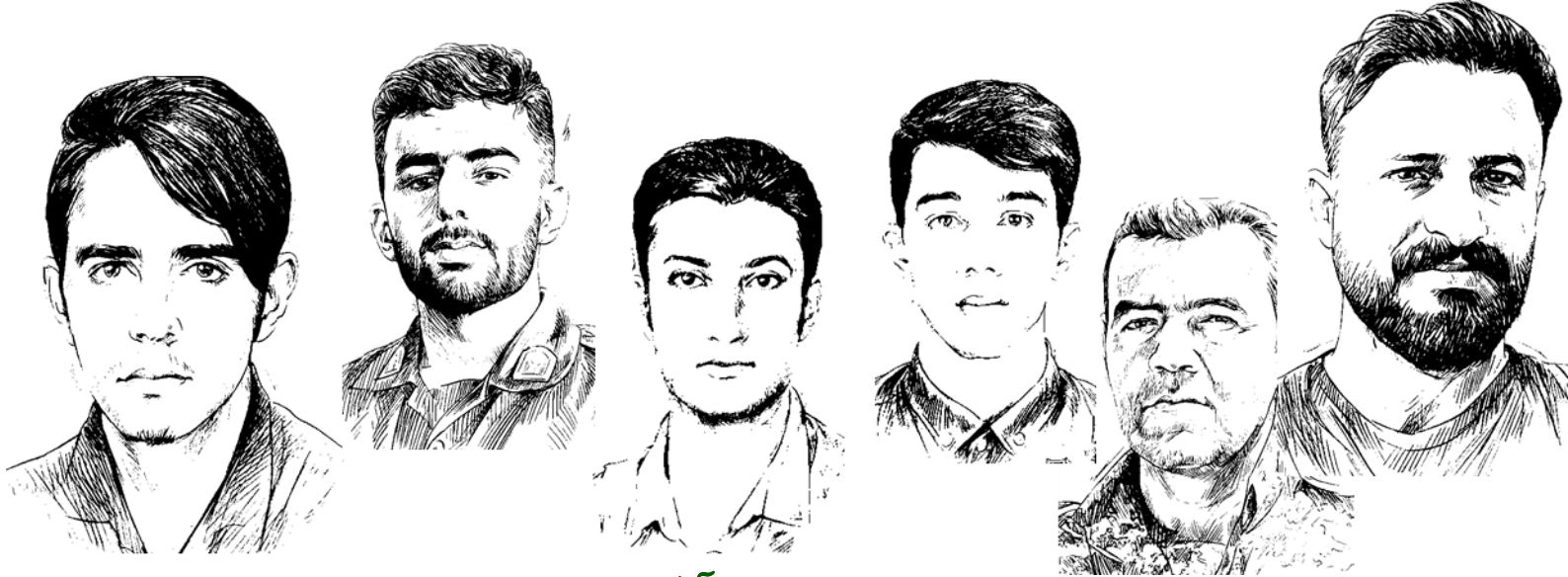


تسخیر لانه جاسوسی

روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳ آبان ۱۳۵۸

انقلاب اسلامی پیروز شد. در زمان تصدی قدرت توسط دولت موقت دانشجویان پیرو خط امام با هدف وادار کردن آمریکا به استرداد شاه و اموال ملت ایران، تصمیم به اشغال سفارت آمریکا گرفتند. این جوانان از دانشگاه های تهران، پلی تکنیک، صنعتی شریف، شهید بهشتی و ... گرد هم آمدند و طی یک راهپیمایی بزرگ تا درب سفارت آمریکا از دیوارهای سفارت بالا رفته و علی رغم مقاومت محافظین و آمریکایی ها، سفارت را به تصرف کامل درآوردند.

در هنگام تسخیر سفارت، جاسوسان آمریکایی که در لباس دیپلمات مشغول توطئه ورزی علیه انقلاب ملت ایران بودند به سرعت مشغول نابود کردن بسیاری از اسناد دخالت ها و تجاوزات و غارت های خود در کشور عزیزمان شدند. پس از تسخیر سفارت به سرعت از نابودی باقی مانده مدارک جلوگیری شد و بعدها اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمده بود چاپ شده و در اختیار همگان قرار گرفت. به محض انتشار این خبر در کشور، مردم بسیاری با خشم و انزجار مقابل لانه جاسوسی تجمع کرده و از حرکت دانشجویان انقلابی حمایت کردند. امام خمینی (ره) نیز در پیامی این حرکت را انقلاب دوم و بزرگ تر از انقلاب اول نامیدند. این اقدام قاطع دانشجویان معترض، خشم آمریکایی ها را برانگیخت و آنها که ناتوان از درک ملتی استقلال طلب و آزادی خواه بودند، دست به اعمالی بر ضد جمهوری اسلامی ایران زدند؛ اقداماتی چون فشار آوردن به مجامع بین المللی مانند سازمان ملل، سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت و تلاش برای حمله نظامی که واقعه طبس نام گرفت و در همان ابتدا شکست خورد.



۱۳ آبان ۱۴۰۱

آثار استکبار

استکبار، صفتی است که در مقام عمل، به مسیری تبدیل می‌شود که مستکبران آن را می‌پیمایند. پذیرش و پیمودن این مفهوم، همراه خود آثار و نتایجی دارد که در رهنمودهای بزرگان جامعه مدنظر بوده است. از دیدگاه امام خمینی رحمه الله می‌توان آثار استکبار را این گونه برشمرد: محرومیت از تمدن، تبعیض و بی‌عدالتی، وابستگی اقتصادی، ایجاد تفرقه و در یک کلام، به وجود آمدن وابستگی کشور در تمامی زمینه‌ها به مستکبران عالم. این نتایجی است که معمولاً از طرف قدرت‌طلبان و برتری‌جویان پدیدار می‌شود. این گروه، تهذیب نفس نمی‌کنند و دچار خودخواهی و مقام‌پرستی هستند. به همین دلیل، از مقام آدمی، به موجودی با اخلاق حیوانی تبدیل می‌شوند. به همین دلیل همه ما بزرگترین دشمن خود را استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا می‌دانیم.

و غیر رسمی امنیتی آمریکا اعلام کرد که راهبرد ارائه شده علیه ایران «مرگ با هزار ضربه چاقو» است. مجموعه‌ای از اقدامات تروریستی، دیپلماتیک و نظامی علیه ایران به جای استفاده از یک اقدام بزرگ که به مرور ملت ایران را خسته کرده و ضربه نهایی را وارد سازد. عمق دشمنی استکبار جهانی در نقشه‌های کینه‌توزانه آنها هویدا است. اما خواهیم دید که به فضل الهی و با توأسی به حق و صبر، روزهای دشوار پایان خواهد یافت و ایران اسلامی به پیروزی نهایی خود خواهد رسید. چرا که پیروزی با صابران است.

دشمنی آمریکا با ملت ایران عنادی عمیق و دیرینه است. رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیر خود با دانش‌آموزان فرمودند: «آغاز چالش بین ملت ایران و آمریکا بیست‌وهشتم مرداد است؛ بیست‌وهشتم مرداد سال ۳۲. در بیست‌وهشتم مرداد یک حکومت ملی سر کار بود. حکومت مصدق یک حکومت ملی بود؛ مشکلی هم با غربی‌ها فقط مسئله‌ی نفت بود. نفت دست انگلیس‌ها بود، او گفت نفت دست خودمان باشد؛ جرمش فقط این بود. آمریکایی‌ها کودتا ایجاد کردند، یک کودتای عجیب و غریب». به نظر می‌رسد تا وقتی مردم ایران خودشان تصمیم‌گیرنده سرنوشت‌شان باشند و در مقابل زورگویی شیطان بزرگ بایستند، خصم آمریکایی علیه آنها ادامه دارد. فتنه‌انگیزی‌های اخیر، حمایت از آشوب‌های خیابانی و پشتیبانی از تروریسم داعشی که منجر به شهادت هموطنان عزیزمان در حرم شاهچراغ شد تنها نمونه کوچکی از کینه عمیق آمریکا علیه ملت آزاد ایران است. آمریکایی که ذره ذره در حال آب‌شدن است اما دست از کینه‌توزی و توطئه‌ورزی بر نمی‌دارد. چند ماه قبل رژیم کودک‌کش صهیونیستی در محافل رسمی

عبدالله یوسفی / راهنمایی و مشاوره ۱۳۹۹
پردیس شهید باهنر اصفهان



بایدها و واقعیتهای

سال تحصیلی فعلی برای عده‌ای از دانشجویان به صورت ترکیبی از تعلیم و تعلم در دانشگاه آغاز شد. دانشجویان رشته آموزش ابتدایی ورودی ۱۳۹۸ به علت کمبود نیروی آموزشی همراه با دانشجومعلم‌ان ورودی ۱۳۹۷ در کلاس‌های درس مدارس حاضر شدند و آموزش دو ترم باقی‌مانده را در بستر مجازی ادامه دادند. روزهای آغازین ترم با تغییراتی در بافت ظاهری دانشگاه، از جمله شست‌وشوی آجرنمای دیوارها، بازسازی آسفالت روبه‌روی ساختمان آموزش و نصب چند نورافکن، مقابل ساختمان آموزش پیگیری شد. اقداماتی قابل پیش‌بینی که با تغییر در بدنه مدیریتی دانشگاه صورت گرفت. ای کاش تغییر مدیران هردستگاه با ایجاد تحولاتی بنیادین و رفع مشکلات ساختاری و درونی آن مجموعه صورت می‌پذیرفت. گراف نیست اگر بگوییم مهم‌ترین مسئله دانشگاه سازماندهی دانشجویان جدیدالورود بود. آزمونی که نمی‌توان گفت پردیس شهید باهنر در آن سربلند شد! محل اسکان اکثر دانشجویان ورودی ۱۴۰۱ خارج از دانشگاه و در موسسه امام علی (ع) و کوی امام (ره) است. سرویس رفت و برگشت تنها دو مرتبه در روز وجود دارد و به عنوان مثال دانشجویان ترم اولی برای شرکت در کلاس ساعت سیزده باید از ساعت‌ها قبل در دانشگاه حضور یابند. شاید بتوان گفت مشکل اصلی عدم پوشش ساعت‌های بیشتر از روز جهت سرویس‌دهی اتوبوس‌ها است. پرسش ما اینجاست که در موضوع افزایش ظرفیت رشته‌ها جهت رفع بلای کمبود نیرو در آموزش و پرورش، چرا پردیس شهید باهنر اصفهان چنین بار گرانی را بر دوش گرفت و زحمت مضاعفی برای خود و دانشجویان جدیدالورود رقم زد؟ افسوس که مشکلات به همینجا ختم نمی‌شود. مصائبی چون عدم وجود زیرساخت‌های کافی خوابگاهی، بهداشتی و رفاهی در دو هفته آغازین ترم که تلاش شد با درمان‌های موقتی رفع شود چالش بسیار مهم پیش روی دانشگاه است. دقیق‌تر که بنگریم، عدم تغییر چرخه‌های معیوب، فرسودگی ساختمان‌های آموزشی و خوابگاهی، کیفیت بسیار پائین غذای دانشگاه، کمبود نیروی انسانی، دیوان‌سالاری فرسوده و ناکارآمدی دروس فعلی در هنگام آغاز دوران خدمت معلمی از عیوب زیربنایی دانشگاه است که با رنگ‌آمیزی چند دیوار دانشگاه، نصب نورافکن، کاشی‌کاری درب مسجد و تأسیس بوفه حل نمی‌شود. اگر چه این اقدامات روند بسیار مثبتی نسبت به خمودی گذشته است؛ اما قدم‌های کوچکی برای حل مشکلات رنج‌آور ما محسوب می‌شود. آیا به راستی این وضعیت در شأن دانشجومعلم‌ان به عنوان افسران پیشرفت ایران اسلامی است؟ امیدواریم در آینده‌ای نزدیک با همت مسئولان دانشگاه فرهنگیان و مدیریت پردیس‌های استان اصفهان به عنوان مرکز ثقل نظام آموزشی کشور به سمت تحولی بنیادین گام برداریم. بدیهی است که فراغت دانشجومعلم‌ان از مسائل صنفی و رفاهی موجب بهبود وضعیت تحصیلی و فرهنگی آنان شده و انگیزه‌ای مضاعف در میان این قشر فرهیخته خواهد شد. قصد ما بزرگ‌نمایی عیوب و تزریق حس ناامیدی نیست. تنها راه پیشرفت کم‌کردن فاصله میان بایدها و واقعیتهاست. امیدواریم روزی شاهد تغییر وضع موجود و نیل به اهداف والای دانشگاه فرهنگیان باشیم.

بانو سرب و آینه

به نام آنکه نخوانده می‌شنود مرا. می‌دانی؟ این روزها عجیب سرد و تاریک است. بوی غم پیچیده در شهر، بوی تنهایی لبریز است در خیابان‌ها و نسیم خستگی هردم می‌وزد و می‌وزد. می‌دانی؟ ما گم شده‌ایم در هیاهوی این تاریکی، ما سرگشته و حیران به دنبال نور می‌دویم. راستش را بخواهی ما گم کرده ایم طریق عشق را. لکه‌های سیاه در قلب‌ها مانده، دیگر قلب‌ها مانده نیست. اما آیا این غم به آرامش می‌رسد؟ چشمانم را می‌بندم. بغضی در من فریاد می‌زند. نسیمی می‌وزد و چادرم را می‌رقصاند. قدم بر می‌دارم و ذهنم پر می‌شود: پر ز خیال و وهم. پر ز تنهایی و بی‌تابی. کوله بردوش به دنبال آرامش می‌گردم کوچه به کوچه خانه به خانه و درونم چه تاریک است! آیا نوری خواهد رسید؟ کسی در من می‌خواند: که گرچه رنج به جان می‌رسد، امید دواست. چشمانم را می‌گشایم و سر می‌چرخانم. آنچه در نگاه من است، مرا به شوق و امید دارد. مگر می‌شود؟ چه زود فراموش کرده بودم و چه تلخ. نامش را زیر لب زمزمه می‌کنم: «معصومه». نجابت، شجاعت و قداست زنجیره می‌شود در افکار من. نگاه مرا می‌آراید زیبایی گنبدش. گویا کسی در جانم مرا می‌خواند. شاید در پستوی این خانه نوری باشد که برهاند غم مارا. آری! اشتیاق چون خونی در رگ‌هایم می‌دود. در جمعیت سیاه‌پوشی که عزادار بانوی این حرم اند، گم می‌شوم. از تنگنای کوچه‌ها می‌گذرم. نفس‌هایم به شماره می‌افتد. دستانم را به درب خانه می‌آویزم و ضربان قلبم شتاب می‌گیرد. چشمانم می‌بارند اما علتش را نمی‌دانم. فقط می‌دانم که گریه می‌آید مرا. حرف‌ها به ذهنم هجوم می‌آورند. دلم می‌لرزد. آرامشی در سراسر جانم پرواز می‌کند. آرامشی از جنس رسیدن، یافتن. چون عاشقی به گیسوان یار، چون تشنه‌ای به آب و مستی به جام. نگاه به آسمان می‌اندازم و ماه غرق دریای چشمانم می‌گردد. ماهی که نظاره‌گر زیبایی‌هاست. می‌دانم که مرا می‌شنوی. دست بر قلب آشفته‌ام می‌گذارم و از هویدای دل زیر لب زمزمه می‌کنم:

السلام علیک یا فاطمة المعصومة! اشفی لسانی البتة.

فاطمه سادات هل اتایی

آموزش ابتدایی ۱۴۰۰ / پردیس امام خمینی کاشان





سر صدر

«خداوند، بی‌نهایت است و لامکان و بی‌زمان. اما به قدر تو کوچک می‌شود و به قدر نیاز تو فرود می‌آید و به قدر آرزوی تو گسترده و به قدر ایمان تو کارگشا می‌شود». این کلام شیوای بزرگ مرد تاریخ فلسفه اسلام، تلفیق دهنده هزار سال تفکر و اندیشه اسلامی است. مردی از تبار خورشید. صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی معروف به مَلَّاصَدرا و صدرالمتألهین، متأله و فیلسوف شیعه ایرانی در سده یازدهم هجری قمری و بنیان‌گذار حکمت متعالیه است. محمد در نوجوانی به اصفهان آمد تا در پایتخت تازه تأسیس صفویان ظرف وجود بی‌قرارش را از علوم معقول و منقول سرریز سازد. هوش و توانایی این جوانک شیرازی در درس و بحث زبان زد عام و خاص بود. طلاب در حجره‌های کوچک مدارس اصفهان پیوسته از او می‌گفتند. آوازه فراگیر صدرالمتألهین، شاه عباس صفوی را بر آن داشت تا با این طلبه جوان بیشتر آشنا شود. ملاصدرا پس از کسب درجه اجتهاد به تدریس پرداخت اما برخی از نظرات او با دیدگاه علما و فقهای زمانش متفاوت بود به همین دلیل عده‌ای او را به بدعت‌گذاری در دین متهم کردند و با فشار بر شاه صفوی خواهان اخراج او از اصفهان و تبعیدش شدند. به نظر می‌رسید حسودان و عنودان تاب و توان تحمل او و تفکراتش را ندارند. پس عاقبت او را به روستایی نزدیک قم تبعید کردند. او قریه‌ی کهک را گنج‌دنجی یافت. دوری از مردم و انزوای در آن روستا سبب شد تا مَلَّاصدرا بر رموز و اسرار الهی آگاهی یافته و آن‌ها را کشف کند. او لحظه‌ای از علم غافل نشد و مدام در حال تفکر و تأمل بود. صدرالمتألهین پس از آن که مراحل سیر و سلوک را پیمود و حقایق اسلام بر وی کشف شد، دوباره در مقام تدریس و افاده نشست؛ با این تفاوت که علم او در این مرتبه، شهودی و از حدس و گمان پیراسته بود. شریعت و قرآن و دلیل و برهان و کشف و شهود را به هم آمیخت و با آثار نبوی و احادیث ائمه دین جمع نمود و معارف معنوی خویش را از این آثار مایه بخشید.



درخشان‌ترین دوره زندگی ملاصدرا از لحاظ سودی که به جامعه رساند و طی آن دوره کتاب‌های فراوان و ارزشمندی نگاشت، دوره‌ای است که او پس از بازگشت از کهک در شیراز شروع به تدریس کرد. مهم‌ترین حاصل عمر وی بنیاد نهادن حکمت متعالیه بود. بدین وسیله به عالم تشیع خدمتی عظیم نمود. چند سال بعد این عالم وارسته در بصره وفات نمود. پیکرش را به نجف بردند و در جوار حرم یعسوب الدین علی علیه السلام به خاک سپردند. امام خمینی الگوی خود در فلسفه را ملاصدرا میداند و در کتاب چهل حدیث، صدر المتألهین شیرازی را فخر شیعه معرفی می‌کند و او را چنین لقب می‌دهد: «جناب محقق فلاسفه و فخر طایفه حقه، صدر المتألهین، رضوان الله علیه». همچنین حضرت امام در کتاب کشف‌الاسرار عبارت عجیبی درباره ملاصدرا دارد. ایشان می‌نویسد: «محمد بن ابراهیم شیرازی از بزرگترین فلاسفه الهی و مؤسس قواعد الهیه و مجدد حکمت مابعدالطبیعه، او اول کسی است که مبدا و معاد را بر یک اصل بزرگ خلل ناپذیر بنا نهاد و اثبات معاد جسمانی با برهان عقلی کرد و خلل‌های شیخ‌الرئیس را در علم الهی روشن کرد و شریعت مطهره و حکمت الهیه را با هم ائتلاف داد، با بررسی کامل دیدیم هر کس درباره او چیزی گفته از قصور خود و نرسیدن به مطالب بلندپایه اوست». ما برآنیم تا در آینده از سرگذشت، تفکرات و نظریات این ستاره درخشان سپهر رفیع عقل و دین بیشتر بگوئیم. امیدوارم دوستداران و خرد و دانایی که وارثان راستین روشنایی هستند، همراه ما بمانند. پیروز و مانا باشید.

تراژدی عدالت آموزشی

مدارس غیر انتفاعی باعث طبقاتی شدن آموزش و کشاندن اختلاف طبقاتی به مدارس شده اند به نحوی که ثروتمندان و قدرتمندان جامعه فرزندان خود را با هزینه‌های آن چنانی در این مدارس ثبت نام می‌کنند. اینجا قتلگاه عدالت آموزشی رخ داده و در یک رقابت نابرابر بسیاری از دانش آموزانی که از دهک‌های بالاتری هستند در رشته‌های بهتر دانشگاهی پذیرفته می‌شوند. بررسی نتایج کنکور در سال ۹۹ نشان می‌دهد که فقط ۵ درصد از نفرات برتر کنکور در مدارس دولتی تحصیل کرده اند یعنی در واقع مدارس دولتی که طبق قانون باید همه امکانات و شرایط تحصیل را برای دانش آموزان رایگان فراهم کنند، توانسته اند در تمام کشور حداکثر ۵ درصد در یک آزمون علمی مثل کنکور موثر باشند. نابرابری در آموزش تبعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی امنیتی گسترده‌ای در آینده کشور خواهند داشت. به همین خاطر نیاز است بحث عدالت آموزشی جدی گرفته شود و اقداماتی در کوتاه مدت و بلند مدت برای دستیابی و حرکت به آن انجام شود. ما تمام تلاش خود را خواهیم کرد که در ماهنامه تحریر خوانشی درست از سند تحول بنیادین ارائه دهیم و به بررسی مشکلات و چالش‌های نظام تعلیم و تربیت بپردازیم.

همه دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که از متون درسی دانشگاه است آشنا می‌باشیم. این سند بالادستی نکات مهمی را مطرح می‌کند. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان‌های بلند نظام اسلامی و عدالت آموزشی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است. افق ۱۴۰۴ زودتر از آنچه که فکرش را می‌کردیم فرا رسید و به نظر می‌رسد بسیاری از واقعیت‌ها با چشم اندازه‌ها تفاوت بسیاری دارد. مخاطبان عزیز نیک مستحضرند که تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد مطلوب است. در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید. اما به نظر شما مدارس و آموزشگاه‌های میهن عزیز ما تا چه اندازه در تربیت نسلی این چنین موفق بوده اند؟ هجوم بی‌امان دشمنان به روان و اذهان کودکان و نوجوانان این دیار بر هیچ کس پوشیده نیست. نسلی که فضای بی‌در و پیکر مجازی و کمپانی‌های غربی همچون هالیوود، نتفلیکس و دیزنی دنیای عجیبی برایشان ساخته است. قهرمان‌های پوشالی و فرهنگ ابتدال تا بُن استخوانشان نفوذ کرده و همه چیز را با عینک غرب می‌بینند. فریاد‌های اندیشمندان و دلسوزان در موضوع عدم توجه به سند بسیار مهم تحول آموزش کشور و حتی عجیب‌تر از آن تلاش برای جایگزینی با سند استکباری ۲۰۳۰ هشدار بزرگی بود که باید در سالهای قبل مدنظر قرار می‌گرفت اما سهل‌انگاری، راحت‌طلبی و بعضاً توطئه‌چینی در بدنه وزارت آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی مانع آن شد. حال پرسش اساسی این است که آیا آقایان متوجه کم‌کاری‌ها و عقب ماندگی در این حوزه نیستند؟ اگر حال معلم خوب باشد، حال جامعه هم خوب می‌شود. این جمله مبتنی بر واقعیت‌ها است. دیوان سالاری فرسوده نظام تعلیم و تربیت و عدم حکمرانی صحیح آموزشی حاصلی جز یأس و ناامیدی نداشته و ندارد. در این میان یک مشکل بزرگ نظام آموزشی کشور بیش از هر چیز موجب پدید آمدن گسل‌های اجتماعی و بیشتر شدن فاصله فکری و فرهنگی در جامعه شده است.

علی اکبر خراجی/آموزش
ریاضی/۱۳۹۹/پردیس شهید باهنر

پرولنه ما سحر م

به نام معطر حبیب آغاز می‌کنم. چیزی به پیروزی انقلاب اسلامی نمانده بود. همه مردم، مرد و زن، کوچک و بزرگ، پیر و جوان سعی داشتند تا نقش مهمی در سرنوشت کشورشان داشته باشند. در این میان دانش‌آموزان حال و هوای دیگری داشتند. صبح روز سیزده آبان درحالی که مدارس کل کشور تعطیل بود عده‌ای از دانش‌آموزان به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند تا صدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانند. جوانان پرشور و مخلص گروه‌گروه داخل دانشگاه شدند. ساعت دقیقاً یازده صبح بود که دژخیمان رژیم پهلوی مردم بی پناه را به گلوله بستند. همگان با همان صدای گرفته فریاد الله اکبر سر دادند. پنجاه و شش نفر از دم شهید شدند. تنها یک چیز آرامشان می‌کرد و آن پیام حضرت امام رحمت الله علیه بود: ((صبور باشید عزیزانم پیروزی نزدیک است چشم امید من و یک کشور به شماست. امروز صدای آزادی‌خواهی شما به گوش جهانیان می‌رسد)). چند ماه بعد ملت غیورمان با شکست استکبار و نثار خون جوانانش جمهوری اسلامی ایران را بنا کرد. اما کتاب تاریخ آرام آرام ورق خورد. فراز و نشیب‌ها گذشتند و شهریور امسال فرا رسید. شهریوری غبارآلود. دشمن عنود و حسود ایران بزرگ قصد فتنه‌گری داشت. فتنه‌هایی که حجاب دختران سرزمین‌مان را هدف گرفته بود و عده‌ای از جوانان وطنمان را همچون لاله خونین پرپر کرد. در این میان قصه آرمان عزیز غم‌عظیمی بر دل نشاند. شهید آرمان علی وردی طلبه جوان دهه‌هشتادی که شاید روزی همانند بهشتی و مطهری‌ها لباس دین می‌پوشید و احیاگر سنت نبوی می‌شد مظلومانه در اکباتان تهران در خون خود غلطید.

بکشید مارا، ملت ما بیدار ترمی شود. انجم پنی



قصه‌ی پر غصه‌ی او دست کمی از شهیدان مظلوم سیزدهم آبان پنجاه و هفت نداشت. رنج‌های امسال به همینجا ختم نمی‌شود. چند روز قبل آرتین، کوچک‌ترین زائر شاه‌چراغ شاهد شهادت پدر، مادر و برادرش بود. هتک حرمت آستان حضرت شاه‌چراغ و رقم‌زدن فاجعه‌ای تروریستی تنها از سردم‌داران پلید آمریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی بر می‌آید. خوشا به این راه و رسم که هموطنان عزیز ما در هنگامه نماز و آن هم در جوار مضجع شریف حضرت احمد بن موسی علیه السلام به دیدار معبود شتافتند. ایرانم از تو خواسته‌ای دارم. قوی بمان! بگذار بگویم در کشاکش این نبرد سخت ما فرزندان تو حتی از جان‌مان نیز دریغ نخواهیم کرد. تجزیه، ترور و تعدی علیه تو خیال خام لشکریان ابلیس است. دردها بسیار است. دل‌ها افسرده است. آرتین ایران تنها شد. پروانه‌های کوچک حرم شهید محمدرضا کشاورز دانش‌آموز پایه دهم، شهید آرشام سرایداران دانش‌آموز پایه پنجم و شهید علی اصغر لری گویینی دانش‌آموز پایه دوم نیز هدف تیر کور سنگدلان سعودی-وهابی در حرم شاه‌چراغ شیراز شدند. حق طلبان خوب می‌دانند که بی‌شک خون این کودکان مظلوم چونان حضرت علی اصغر علیه السلام و حضرت سکینه سلام الله علیها روشن‌کننده راه حق است. از عمق جان و با فریادی رسا به ایران جان می‌گوئیم: حاشا که مرا جز تو، در دیده کسی باشد.

روزیتا جعفری

استاد زبان و ادبیات پارسی

پردیس فاطمه الزهرا (س) اصفهان

علی (ع) تجسم عدالت انسانی

مولای متقیان علی علیه السلام، معیارهای عدالت را نیک شناخت، با ژرف‌ترین واژه‌ها و جمله‌ها آن را بازگفت، در عینیت زندگی خویش - با همه فراز و نشیب‌ها - آن را به پیدایی آورد. او لحظه‌ای و ذره‌ای از میزان عدل فاصله نگرفت، حتی در میدان جنگ و با بدترین دشمنان. با قاتل خویش به عدالت رفتار کرد، سرانجام هستی‌اش را در این راه نهاد و خود شهید عدالت گشت. چنین چهره‌ای در سراسر تاریخ انسان، علی (ع) بود. یعسوب الدین عدل و عدالت را به عنوان قانونی عام و فراگیر، سنتی تغییرناپذیر و طریق حق در جهان خلقت می‌نگرد، آن را در اجتماعات بشری و در نظام تشریع، ضرورتی تخلف‌ناپذیر می‌شناسد، بر ضرورت هماهنگی دو نظام تکوین و تشریع، تاکیدهایی اصولی دارد؛ بدان پایه که مذهب و مکتب او، مکتب عدل و عدالت شناخته شده است. این مذهب، مذهب عدل است و از همین جاست که از قدیم گفته‌اند: التوحید و العدل علویان: توحید و عدل دو اصل علوی هستند. ذکر «عدل» در کنار «توحید»، نخست به مفهوم اعتقادی آن بازمی‌گردد، یعنی اثبات عدل به عنوان یکی از صفات خداوند که متمم عقیده توحید است؛ همین عدل، مقتضی آن است که عدل اقتصادی و معیشتی و قضایی و ... نیز جزء ارکان بنیادین دین اسلام باشد، زیرا نمی‌شود خدای عادل، راضی به ظلم باشد و عدل عملی را از بندگان نخواسته باشد. عدالت، در اندیشه امام عامل حیات و زندگی است، در یک موجود زنده، باید حیات در همه اجزا و اعضا جریان داشته باشد. آنگاه که عضوی یا بخشی سلامت خود را از دست بدهد و بیمار گردد، سلامت دیگر اعضا را به مخاطره می‌افکند. آن پیشوای راستین می‌گوید: «العدل حياة: عدل مایه زندگی است». برپایی عدالت و بازگرداندن حقوق غصب شده، رفاه و آسایش عمومی را به دنبال دارد و به تبع آن، امنیت روانی در جامعه برقرار می‌شود. امام علی علیه السلام در این مورد و در ارتباط با رفتار نامطلوب یکی از کارگزارانش که در اموال عمومی خیانت کرده بود، با عتاب و خطاب، او را بریده از حق و خائن شمرده و بیم می‌دهد که اگر باز نگردد مجازات سختی در پیش دارد. از نظر علی (ع) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش دهد عدالت است، ظلم و جور و تبعیض قادر نیست، حتی روح خود ستمگر و روح آن کسی که به نفع او ستمگری می‌شود را راضی و آرام نگه دارد تا چه رسد به ستم‌دیدگان و پایمال شدگان. عدالت بزرگرایی است عمومی که می‌تواند همه را در خود بگنجاند و بدون مشکلی عبور دهد، اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستمگر را به مقصد نمی‌رساند.

علی (ع) تجسم عدالت انسانی

پس با توجه به قداست عدالت و اهمیتی که امام برای آن قائل بود، بدیهی است که آن بزرگوار، نمی‌تواند درباره این مسأله سکوت نموده و به آن اهمیت ندهد. از این روست که امام، تنها هدف پذیرش حکومت را احقاق حق و ابطال باطل اعلام فرمود چرا که در دیدگاه آن امام همام اصل و اساسی که تعادل اجتماع را حفظ می‌کند، همه را راضی نگاه داشته و پیکر اجتماع را قرین سلامت می‌سازد، عدالت است. مولای ما عدالت را رمز بقای استحکام و ترقی نظام سیاسی، ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت در جامعه می‌داند. از این رو به جد مصمم اجرای آن است. عدالت آن چنان برای ایشان واجد اهمیت و ارزش بود که عدل را در رأس ایمان قرار داد و تا ابد در میان مردمان معنای راستین عدالت نام گرفت. نمونه‌ای از عدل علوی و تقوای مالی نسبت به بیت المال، در ماجرای درخواست عقیل از برادرش علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان حاکم جامعه اسلامی است که از بیت المال سهم بیشتری به او بدهد تا به کودکان گرسنه‌اش برساند. آن هنگام امیر المؤمنین آهنی را در آتش داغ کرد و آن را به دست برادرش نزدیک کرد (عقیل آن هنگام نابینا بود) عقیل ضجه‌ای کشید و نالید. امام فرمود: آیا از آهنی که انسانی به بازیچه آن را گرم کرده می‌نالی، اما می‌خواهی مرا به سوی آتش گدازانی که خدای بزرگ و جبار برافروخته است بکشانی؟ اوج زیبایی کلام ایشان در این جمله متبلور می‌شود: اگر اقلیم هفتگانه را به من بدهند تا به ستم، پوست جوی از دهان مورچه‌ای بگیرم چنین نخواهم کرد! حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به کارگزار حکومتی خویش که اختلاس کرده بود می‌نویسند: از خدای ترس و اموال این قوم به آنان باز گردان که اگر چنین نکنی و خداوند مرا بر تو پیروزی دهد، با تو کاری خواهم کرد که در نزد خداوند عذرخواه من باشد. با این شمشیر، که هر کس را ضربتی زده ام به دوزخش فرستاده‌ام، تو را نیز خواهم زد. به خدا سوگند، اگر از حسن و حسین چنین عملی سر می‌زد نه با ایشان مدارا و مصالحه می‌نمودم و نه هیچ یک از خواهش‌هایشان را بر می‌آوردم، تا آن گاه که حق را از ایشان بستانم و باطلی را که از ستم ایشان پاگرفته است، بزدایم. به خدا، آن پروردگار جهانیان سوگند که آنچه تو به حرام از اموال مسلمین برده‌ای، اگر به حلال به دست من می‌رسید، دلم نمی‌خواست برای بازماندگانم به میراث نهم. شتاب مکن، گویی که به پایان رسیده‌ای و در زیر خاک مدفون شده‌ای و اعمالی را بر تو عرضه کرده‌اند و اکنون در جایی هستی که ستمگر فریاد حسرت بر می‌آورد و تباه کننده عمر، آرزوی بازگشت به دنیا می‌کند «و جای گریز نیست». بی‌شک سیره مولی الموحدين راهنمایی راستین برای آنانی است که قلوبشان مملو از عشق الهی و هدفشان خدمت به مردم است. مردمی که خود را محبّ علی و اولادش می‌دانند. بی‌شک کارگزاران و دولتمردان باید به علی اقتدا کنند.

نگار ارشدی / آموزش ابتدایی ۱۳۹۹ / پردیس شهید رجایی

شعر

و لـخـوفـه جـذب نـیرو نشـیـمـه خـبر

معتبرترین و با سابقه ترین نشریه دانشگاه فرهنگیان اصفهان

طراح و گرافیست:
@ISTAIST57

سی، عکاسی، پیکری، تدوین، زمینه‌ها،
ویراستاری، خبرنگاری، هشتگری،
گویندگی، گرافیک، نویسندگی

همکاری: **جهت اطلاع**
برادر مرادی
۹۹۱ ۲۵۳ ۶۷.۸





روایت حقیقت در دانشگاه فرهنگیان

#کسورات دانشگاهی #فضای آموزشی #سراهای دانشجویی #امکانات رفاهی #سالن غذاخوری

T A H R I R